

دکتر سید علی اصغر هدایتی

عضو هیأت علمی مؤسسه عالی بانکداری ایران

بررسی جبران زیان‌های وارده بر افراد بر اثر کاهش قدرت خرید پول و چگونگی جبران زیان‌های وارده بر سپرده‌ها و منابع بانک*

۱ - طرح مسأله

به یاری ذات اقدس پروردگاری همتای عزوجلّ مقاله را با نقل قسمتی از بیانات رهبر معظم انقلاب که در آذر ماه ۱۳۷۴ در جمعی از مدرّسان، فضلا و طلاب حوزه علمیه قم ایراد فرمودند آغاز می‌کنیم.

در این سخنرانی، رهبر معظم انقلاب، با اشاره به نکاتی بسیار مهم در زمینه مسائل اقتصادی و اجتماعی مورد ابتلای جامعه اسلامی ما، کاهش ارزش پول و تبعات ناشی از آن را مورد بحث قرار داده و فرمودند:

«... امروز، خیلی از مسائل وجود دارد که فقه باید تکلیف آنها را روشن کند، ولی

* متن کامل مقاله‌ی برگزیده که خلاصه‌ی آن در هفتمین سمینار بانکداری اسلامی، شهریور ماه ۱۳۷۵ ارائه گردیده است.

معلوم نکرده‌است. فقه، توانائی دارد، لکن روال کار طوری بوده است که فاضل محقق کارآمد به این قضیه نپرداخته‌است، مثل قضیه پول. اصلاً پول چیست؟ ... بحث ارزش پول در هنگام توژمهای سرسام آور و سنگین، نه آن توژمی که به طور قهری در حرکت عمومی هر جامعه وجود دارد و موجب رشد است، چه می‌شود؟ بدون توژم، جامعه به رکود خواهد انجامید. آن مورد را نمی‌گوئیم. منظور این توژمهای ۲۰، ۳۰ و ۵۰ درصدی و توژمهای سه رقمی است که از این هفته تا آن هفته، از ارزش پول کم می‌شود. در این حالتها، قضیه پول چه می‌شود؟ بدهکاریهای پولی و قرضهائی که از هم می‌گیریم، چه می‌شود؟ اگر ۶ ماه پیش ۱۰۰ تومان از شما قرض گرفتیم و حالا می‌خواهیم پس بدهیم، آن ۱۰۰ تومان با ۱۰۰ تومان حالا فرق دارد. بالاخره، تکلیف این مسأله، در فقه باید روشن شود. باید برای این کارها، مبنا درست کرد. البته انسان می‌تواند کار خودش را به اطلاعات و عمومات آسان کند، اما مسائل این گونه حل نمی‌شود»^(۱)

بیانات جامع، روشنگر و آموزنده مقام معظم رهبری در مقوله کاهش ارزش پول، ضمن اشارتی کوتاه بر خطوط اساسی مطالعاتی که می‌باید در این زمینه انجام پذیرد، بر نکات و ملاحظات ذیل تأکید دارد:

- ۱ - لزوم مطالعه‌ای جامع‌الاطراف و جدی در باب مسأله و یا قضیه پول از دیدگاه فقه اسلامی و از این رهگذر؛
- ۲ - تعمق در مسأله کاهش ارزش پول بگونه‌ای بنیانی و اساسی، ارائه رهنمود در مقابله و مبارزه با آن و در حصول بدین منظور؛
- ۳ - از «مقدمات و کلیات» در گذشتن و به اصل موضوع پرداختن. در همین زمینه،

مقام محترم ریاست جمهوری نیز در جمعی از مدیران و مسؤولان سیستم بانکی کشور، همزمان با آغاز هفته بانکداری اسلامی در شهریور ماه ۱۳۷۴ اظهار داشتند:

«... در گذشته، چنین فکر می‌شد که بانکها غیر از کار ربوی، کار زیادی نمی‌توانند بکنند، ولی با مقداری بحث در مبانی فقهی، به خوبی روشن شد که با احکام اسلامی نیز می‌شود نوعی بانکداری مدرن را برپا داشت.»

البته یک بحث اساسی هم باید بشود که اصلاً در شرایطی که ارزش پول در اثر تورم - در هر سطحی - به طور سالانه کم می‌شود، آیا این امر اصلاً ربا هست یا ربا نیست؟ این موضوع، موضوعی است قابل بحث و باید ببینیم که آیا می‌شود این مقدار کاهش ارزش پول در اثر تورم را به طور کلی از مقوله ربا جدا کرد یا نه؟^(۲)

متأسفانه، در این زمینه، علیرغم تأکید بر ضرورت قطعی مطالعه‌ای عمیق و گسترده، صرفنظر از چند مطالعه جانبی و پراکنده،^(۳) هنوز تحقیق منظم و منسجمی انجام نپذیرفته است.

امید است، تحقیق حاضر، با عنایت به اینکه بررسی پیرامون ماهیت این مسأله و تبعات ناشی از آن، علی‌الاصول کاری جدی، فراگیر و گروهی را می‌طلبد، به عنوان «فتح باب» و مقدمه‌ای کوتاه، انگیزه مطالعات کاملتر را در این خصوص فراهم آورد.

۲ - اهمیت موضوع

هر اقتصاد پویایی برای تداوم رشد خود نیاز به جریان دائمی سرمایه‌گذاری دارد.

ضرورت حفظ استقلال اقتصادی کشورها، به ویژه کشورهای در حال توسعه، ایجاب می‌نماید که در تأمین منابع مالی مورد نیاز جهت انجام این سرمایه‌گذاریها، اتکاء اصلی بر منابع داخلی باشد. بدین منظور، بخش‌های دولتی و غیردولتی می‌توانند به عنوان مکمل یکدیگر نقش عمده‌ای را در تأمین منابع مالی مورد نیاز ایفاء نمایند.

در کشورهای در حال توسعه، با امان نظر بر این واقعیت که سرمایه‌های بخش خصوصی، فی حد ذاته، به هیچ روی وافی به مقصود نخواهد بود، جذب و تجهیز پس‌انداز از طریق شبکه‌های بانکی در تأمین منابع مالی برای سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف اقتصادی تأثیر بسزا خواهد داشت.

لذا، در کشور ما نیز در شرایط کنونی اقتصاد جامعه که امکانات گسترش زمینه‌های تولیدی با مشکلات متعددی مواجه است، تجهیز پس‌اندازهای بخش خصوصی و هدایت آن به سوی فعالیت‌های مولد، به گسترش ظرفیت‌های تولیدی منجر گردیده و در نهایت، ضمن تأمین رشد اقتصادی از تشدید فشارهای تورمی جلوگیری خواهد نمود.

بدینگونه، بانکها با جذب پس‌اندازهای خرد و کلان، منابع مورد نیاز را برای ایجاد، راه‌اندازی و توسعه واحدها در بخش‌های مختلف اقتصادی تأمین و با توجه به معیارها و ضوابطی که از سوی مقامات پولی کشور تعیین می‌شود و نظارت دقیق بر حسن اجرای آن، منابع لازم را در اختیار بخش‌های اقتصادی قرار خواهند داد. نتیجه این فرآیند در شرایط عادی، رشد و شکوفائی اقتصاد کشور ضمن حفظ تعادل در نظام عرضه و تقاضای کل که در واقع از عمده‌ترین سیاستهای پولی و اعتباری کشور است، خواهد بود.

تردید نمی‌توان داشت که هر قدر استفاده از تمامی امکانات و مقدرات کشور در حصول این تعادل اساسی بیشتر باشد، مبارزه و مقابله با تورم صورت جدی‌تر و واقعی‌تری

خواهد داشت.

همانطور که می‌دانیم، تورّم، افزایش مداوم سطح عمومی و به اصطلاح لجام گسیخته قیمت‌هاست، چرا که رشد ملایم و منظم سطح قیمت‌ها، لازمه رشد اقتصادی کشور است. در برخی از جوامع پیشرفته صنعتی نیز تورّم وجود دارد، لکن به صورت منظم و مهار شده که شاید بتوان دلیل اصلی آن را وجود بازارهای رقابتی ذکر کرد.

تورّم و کاهش ارزش و یا قدرت خرید پول، دو روی یک سکه‌اند. بدین مفهوم که درست، به میزانی که سطح قیمت‌ها افزایش می‌یابد، قدرت خرید پول کاهش پیدا می‌کند و کاهش قدرت خرید پول نیز، به نوبه خود، آثار منفی در اقتصاد جامعه بر جای می‌گذارد.

بحث در ماهیت و علل بروز تورّم^(۴) که در تحلیل نهائی با تبیین نقش پول در اقتصاد اسلامی ملازمه نزدیک دارد،^(۵) از محدوده این مقال خارج است لکن، همانگونه که اشاره شد نکث تولید و به بیان دیگر عدم تعادل اساسی بین عرضه و تقاضای کل، بی‌تردید در حدوث این بلیه خانمانسوز اقتصادی - اجتماعی تأثیر بسزا دارد.

با توجه به مراتب فوق، در مقاله حاضر «صورت مسأله» ناظر است بر اقتصادی بیمارگونه که تمامی قرائن و شواهد، ابتلای آن را به درد جانکاه و البته نه صعب‌العلاج تورّم نشان می‌دهد، لذا در مقام چاره‌جویی و ارائه طریق، سؤال اساسی این است که با توسل به چه تمهیدات و تدابیر، بیمار مشرف به موت را از ورطه نیستی برهانیم و یا حداقل از تشدید بیماری که عواقب زیانبار آن جامعه را با صدمات و لطمات احياناً غیر قابل جبران مواجه می‌نماید بکاهیم؟

سؤال اساسی این است که در رهگذار این رویداد مصیبت‌زا، زیانهای وارده بر افراد جامعه خصوصاً دارندگان درآمدهای ثابت که اکثریت عظیم طبقه متوسط کشور را تشکیل

می‌دهند چگونه جبران نمائیم؟ و اگر از هم‌اکنون، در این زمینه چاره‌اندیشی نکنیم، آیا به نظر نمی‌رسد که فردا خیلی دیر باشد و به قول خواجه شیراز «مایه نقد بقاء را که ضمان خواهد شد؟»

آنچه در پی خواهد آمد، تلاشی است در حد بضاعت ناچیز نویسنده در پاسخ بدین سؤال اساسی. مقدمتاً سعی شده است که از لحاظ سابقه امر، نگرشی به امکان جبران زیانهای وارده بر افراد و مشخصاً زیانهای وارده بر اثر کاهش ارزش پول به عمل آید و ضمن بررسی دیدگاههای اندیشمندان معاصر در این مقوله، چگونگی جبران کاهش ارزش پول در چارچوب اقتصاد اسلامی به اختصار مورد بحث قرار گیرد.

۳ - نگرشی به امکان جبران زیانهای وارده بر افراد

امروزه بر اساس اصول و موازین حقوقی مسلم شده است که هرکس در استفاده از حقّی مرتکب تقصیر شود یا بی احتیاطی و غفلت نماید، مسؤول جبران زیان وارده بر دیگری خواهد بود. به عبارت دیگر، در جامعه کنونی، هر نوع فعالیت برای موجد آن محیط خطری نیز ایجاد می‌نماید که بر هرکس در این محیط خسارتی وارد آید، ایجاد کننده مسؤول جبران خسارت وارده نیز خواهد بود.

قدیمترین نوشته مدوّنی که در این زمینه وجود دارد، قانون الواح دوازده گانه رومیان بوده است.

در قانون الواح دوازده گانه، از جبران زیانهای ذیل بحث شده است:

اول: زیان جانی INJURA

دوم: زیان مالی که وارد ساختن زیان ناحق به غیر DANUM INJURIA DATUM از موارد مشخصه آن بوده است.

وارد ساختن زیان ناحق به غیر، مباحث بسیاری را درباره ضمان قهری در حقوق روم بوجود آورد. بعدها، لفظ «تقصیر» جایگزین واژه «ناحق» گردید. بدین توضیح که رفتار پدر خوب خانواده BONUS PATER FAMILIAS ملاک تشخیص «تقصیر» از «غیر تقصیر» قرار گرفت و هر شخص که از میزان و بهتر بگوئیم حد رفتار «پدر خوب خانواده» تجاوز می‌کرد، «مقصر» قلمداد می‌گردید. (۶)

بدینگونه، تأسیس «حقوق» به مفهوم اعم کلمه، در میان دانشمندان رومی و خاصه «ژوستینین» حقوقدان نامدار رومی مباحث جالبی را برانگیخت، لکن، گفتنی است که تکمیل این تأسیس و قاعده کلی آن در حقوق اروپائیان صورت گرفت.

در حقوق اروپائیان، جبران زیانهای وارده بر افراد از انتساب ضمان قهری یا مسؤولیت غیر قراردادی به تقصیر نشأت گرفت.

ماده ۱۳۸۲ قانون مدنی فرانسه آشکارا مؤید این معنی است: «هر شخص نسبت به زیانی که از تقصیر او به غیر وارد شود، ضامن و مسؤول خواهد بود». به دیگر سخن، در حال حاضر، در حقوق فرانسه، شرط اصلی در ضمان قهری و مسؤولیت غیر قراردادی ارتکاب تقصیر است و برای آن مانند رومیان، رفتار شخص محتاط ملاک عمل قرار می‌گیرد. مفهوم آن این است که هر فرد در رفتار خود نسبت به غیر، باید همان اندازه مواظبت نماید که شخص محتاط در رفتار خود معمول می‌دارد. (۷)

در حقوق اسلام، قاعده معروف «اتلاف و تسبیب» که منبعت از افکار جاودان پیامبر عالیقدر اسلام حضرت محمد (ص) می‌باشد، بنیانگذار ضمان قهری و مسؤولیت

غیرقراردادی است.

احکام و احادیث منتسب به پیامبر ختمی مرتبت تماماً و اساساً از قاعده کلی و عمومی اتلاف و تسبیب حکایت دارد. از آن جمله است:

قاعده: «مَنْ أَتْلَفَ مَالَ غَيْرِهِ فَهُوَ لَهُ ضَامِنٌ» هرکس مال غیر را تلف کند ضامن خواهد بود.

قاعده: «مَنْ لَهُ أَلْفَتَمَ فَعَلَيْهِ الْقَرَمُ» هرکس به غنیمتی دست یابد باید بهای آنرا نیز بپردازد و از همه مهمتر:

قاعده: «لَا ضَرَرَ وَلَا ضِرَارَ فِي الْأِسْلَامِ» در اسلام حکمی که وقوع زیان و ضرر را به اشخاص تجویز نماید وجود ندارد. (۸)

فقه‌های اسلام، قاعده «اتلاف» را از «تسبیب» تفکیک نموده‌اند. بدین معنی که قاعده «اتلاف» را به مباشرت در اضرار و قاعده «تسبیب» را به دیگر احکام یادشده فوق ناظر دانسته‌اند. از دیدگاه آنان، علت، وقتی است که در ایجاد تلف به طور مستقیم تأثیر کند (قاعده اتلاف) ولی سبب، چیزی است که اگر وجود نمی‌داشت، علت تلف در حدوث زیان تأثیر نمی‌نمود (لَوْلَا لَمَّا حَصَلَ التَّلَفُ)، اما، شرط چیزی است که «يَلْزَمُ مِنْ عَدَمِهِ عَدَمٌ». بر این اساس، در فقه اسلامی، مسؤولیت به مفهوم وسیع کلمه، مبتنی بر سه امر است: علت، سبب و شرط. یعنی هرکس (در واژگان حقوق امروزی: حقیقی یا حقوقی) علت تلف، یا سبب تلف، یا شرط تلف را ایجاد کند، ضامن خواهد بود.

قانون مدنی ایران، به تبع فقه اسلامی، در پاره‌ای موارد، به قاعده اتلاف و تسبیب استناد نموده است. طبق ماده ۳۲۸ «هرکس مال غیر را تلف کند ضامن است و باید مثل یا قیمت آن را بدهد اعم از اینکه از روی عمد تلف کرده باشد یا بدون عمد و اعم از اینکه عین

باشد یا منفعت و اگر آن را ناقص یا معیوب کند، ضامن نقص آن مال است.»

از مطالعه این ماده و مواد مشابه، توجه قانونگذار راجع به ضمان قهری و مسؤولیت غیر قراردادی معلوم می‌شود. ماده ۳۳۲ قانون مدنی مؤید این نظر است: «هرگاه، یکنفر سبب تلف مالی را ایجاد کند و دیگری مباشر تلف شدن آن مال بشود، مباشر مسؤول است نه مسبب، مگر آنکه سبب اقوی باشد به نحوی که عرفاً اتلاف مستند به او باشد.»^(۹)

بررسی مکاتب مذکور و بالاخص دیدگاه حقوقی اسلام در باب جبران ضرر و زیان وارده‌ی بر افراد جای تردید باقی نمی‌گذارد و لذا با عنایت به نکات و موارد مطروحه در مقوله مورد بحث، سوال اساسی این خواهد بود که آیا جبران زیان وارده بر افراد بر اثر کاهش ارزش پول شرعاً قابل توجیه می‌باشد و چنانچه پاسخ این سوال مثبت باشد، مسؤولیت جبران آن بر عهده چه مقامی است؟

پاسخ این سوال را با استقصاء دیدگاههای تنی چند از اندیشمندان معاصر آغاز

می‌کنیم:

۱ - آیا جبران زیان وارده‌ی بر افراد بر اثر کاهش ارزش پول شرعاً قابل توجیه می‌باشد؟

حدود سه سال قبل، نشریه «رهنمون»، فصلنامه علمی - پژوهشی مدرسه عالی شهید مطهری، ضمن یک نظرخواهی ابتکاری و جالب، سوالاتی از محضر تنی چند از فقهاء عظام در باب مسائل فقهی و شرعی مربوط به پول و کاهش ارزش آن استقصاء نمود که پاسخهای واصله در حد قابل ملاحظه‌ای راهگشای این مساله و معضل اقتصادی و اجتماعی می‌تواند باشد.

به لحاظ اهمیت موضوع، ذیلاً به نقل متن نظرخواهی و سپس اختصاراً به ذکر نظرات

مخالف و موافق می‌پردازیم.

الف - متن نظرخواهی

بِسْمِ آ... الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. بعد از سلام، چنانچه خاطر شریف استحضار دارد، آنچه امروزه به عنوان پول در کشورها در جریان است دارای ارزش ثابت نمی‌باشد و مثلاً در شرایط تورم اقتصادی مرتباً ارزش آن کاهش می‌یابد و قدرت خرید مقدار معینی پول تدریجاً کمتر می‌گردد، تا آنجا که پس از گذشت مدت زمانی ممکن است این اختلاف ارزشها دهها برابر مقدار اصلی پول گردد و با تغییر در قدرت اقتصادی کشور که پشتوانه اعتبار پول است، ارزش آن در برابر پولهای خارجی نیز نوسان یابد. برای مثال، قیمت یک گرم طلا در سال ۱۳۳۶ هشتاد و پنج ریال بوده است و حال آنکه همین مقدار طلا، امروز، در حدود شانزده هزار و پانصد ریال قیمت دارد^(۱) و این افزایش رقم ریال در حقیقت معرف میزان کاهش ارزش آن است، که البته با محاسبه قیمت چند کالا، می‌توان نرخ تورم را به دست آورده، این میزان کاهش را محاسبه کرد.

این امر در برخی از احکام شرعی سؤالاتی را برمی‌انگیزد که از حضرت عالی استدعا دارد به طور مشروح و مستدل به این سؤالات پاسخ فرموده، خوانندگان فصلنامه رهنمون را از نظرات خویش بهره‌مند سازید.

۱ - چنانچه، شخصی مبلغی پول را به عنوان قرض الحسنه به دیگری داده باشد و موعد بازپرداخت آن چندی بعد باشد، به هنگام بازپرداخت در موعد مقرر چه مبلغی بر ذمه مدیون است؟ آیا همان رقمی را که قرض گرفته است باید بپردازد

یا مبلغی را که با محاسبه نرخ تورّم به دست می آید و دارای ارزش یکسان با آن عدد اصلی است؟

۲ - حکم این مسأله، در مواردی همچون زمانی که مهریه زوجه مبلغی پول تعیین شده باشد و زوج سالها بعد آن را پرداخت نماید، در خمس مالیاتهایی که پرداخت آنها به تعویق افتاده است، یا در سرمایه ای که در مضاربه به عامل داده می شود و یا مواردی نظیر خسارت ناشی از اتلاف مال غیر که در پرداخت آن تأخیر شده است چگونه می باشد؟

۳ - اگر نظر حضرت عالی این است که مدیون هنگام بازپرداخت، مبلغ هم ارزش آن مقدار سابق را که با ملاحظه نرخ تورّم در سالهای مختلف محاسبه می گردد بر عهده دارد، اگر به واسطه جهل به مسأله، مدیون فقط به اندازه رقمی که دریافت کرده بوده است پرداخت نموده باشد و دائن هم مقدار بیشتری طلب کرده باشد، آیا بعد از علم به مسأله، پرداخت قدرزائد واجب است؟ و آیا دائن می تواند آن را طلب نماید؟

۴ - اگر نظر حضرتعالی بر خلاف این رأی است و عین همان رقم سابق را بر ذمه مدیون می دانید، لطفاً بفرمائید: آیا اگر طرفین در ضمن عقدی نظیر قرض، بر شرط بازپرداخت مبلغ هم ارزش رقم سابق تراخی نمایند، این شرط صحیح و الزام آور است؟

با تشکر

وحید اشتیاق، سردبیر فصلنامه رهنمون

ب - نظرات دریافتی به اختصار

۱ - نظرات مخالف

حضرت آیت‌ا... رضوانی عضو فقهای شورای نگهبان

جواب ۱ و ۲، توژم به عهده بدهکار نیست و فقط بدهکار همان مبلغی است که در قرض گرفته، و با قرارداد ولو در ضمن عقد خارج لازم باشد، نمی‌توان آن را شرعی کرد. در مهریه زوجه و بدهکاری‌های دیگری مانند خمس هم چنین است و در مضاربه نیز اصل پول را باید بدهد، لکن در خسارات اگر مثلی باشد و بخواهد قیمت آن را بدهد، باید قیمت روز محاسبه و پرداخت گردد.

حضرت آیت‌ا... جعفر سبحانی عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم

- ۱ - چیزی را که (شخصی) به عنوان قرض الحسنه داده است، فقط می‌تواند مثل آن را بگیرد، خواه کالا باشد (اعم از نقدین و دیگر کالاها) که ارزش ذاتی دارند، خواه اسکناس که ارزش اعتباری دارد و اگر بیش از آنچه پرداخته است به عنوان توژم و کاهش ارزش بگیرد، ربا خواهد بود.
- ۲ - اگر در ضمن عقد، ارزش آن اسکناس معین شود و بگویند این چند ریالی که فعلاً ارزش آن با فلان مقدار کالا یا طلا مساوی است، مهر زوجه قرار داده شد، مسلماً باید به هنگام پرداخت، این جهت رعایت شود. ولی اگر این شرط انجام نگیرد، چنانکه تاکنون رسم نبوده یا کمتر رسم بوده، به این جهت که نوسان در ریال، چندان چشمگیر نبوده است، در این صورت، اگر با هم مصالحه کردند

چه بهتر و در غیر اینصورت باید همان ارزش آن را در نظر بگیرند. در مورد خسارت ناشی از اتلاف مال غیر، جریان مثل مهریه و مالیات شرعی است و عین تالفه، بر ذمه تلف‌کننده است.

- ۳ - هرگاه مدیون، از طریق اخذ وام، بدهکار شده و در صورت عدم شرط، فقط خود مثلی اعتباری را پرداخته باشد کافی است.
- ۴ - شرط مزبور، در ضمن هر عقدی الزام‌آور است و ادله‌ریا موضوعاً از آن خارج یا متصرف می‌باشد.

حضرت آیت‌الله مرعشی شوشتری

در مورد بند ۱ و ۲، از کلمات فقها استفاده می‌شود که مال القرض و یا مهریه اگر مثلی باشد، مدیون فقط مسؤول پرداخت مثل آن مال می‌باشد و اگر قیمی باشد، مسؤول پرداخت قیمت آن می‌باشد و دو دلیل می‌توان برای این مطلب اقامه کرد:

۱ - سیره مشرعه

شارع مقدس نسبت به این تفاوت دستوری نداده و مردم را مکلف به جبران این تفاوت نکرده است..... و توژم در آن زمانها مانند توژم در زمان ما نیست، اما به هر حال اگر چنین توژمی، هر چند جزئی باشد، دین محسوب می‌گردید، لازم بود تکلیف مسلمانان را روشن سازد.

۲ - عموم "اوفوا بالعقود"

هرگاه قراردادی بر اساس مبلغی پول منعقد گردد، چنین قراردادی لازم‌الوفاء می‌باشد و الزام مدیون به پرداخت ماهه‌التفاوت بر خلاف قرارداد می‌باشد.

در مورد خمس و یا زکات که به تعویق می‌افتد، اگر آن مال که مورد تعلق خمس است مثلی باشد و مثل آن موجود باشد، همان مثل را باید پرداخت و اگر مثل موجود نباشد، قیمت یوم‌الادای آن را باید بپردازد. اگر قیمی باشد و عین آن موجود باشد، باید عین آنرا بدهد و اگر قیمی باشد، لازم است قیمت آن را پرداخت نماید. و مالیات که حکم قانونی خود را دارد و باید طبق قانون عمل کرد. حکم خسارات ناشی از اتلاف مال نیز، از آنچه گفته شد، معلوم گردید. در مورد مال‌المضاربه مراد معلوم نیست. و اما سوال شما در ارتباط با بند ۴ پاسخش این است که به نظر می‌رسد نفعی از شرط مذکور وجود ندارد و مغایرتی با سیره متشرعه و عموم "أوفوا بالعقود" نیز نخواهد داشت.

۲ - نظرات موافق

حضرت آیت ا... موسوی بجنوردی استاد حوزه و دانشگاه

۱ - از آغاز تاریخ، به تناسب مقتضیات زمان، وجود روابط حقوقی و مبادله‌ای، از ابتدائی‌ترین صورت مبادله به نحو پایاپای تا شکل کنونی آن یعنی مبادله با اسناد تجاری از جمله اسکناس را شاهد بوده‌ایم. لذا، شناخت اسکناس در سرنوشت اموری چون قرض، مهریه، خمس ارباح مکاسب و ضمان قراردادی و قهری حائز اهمیت است.

اعتبار برخی اموال مانند برنج، گندم، پارچه و گوشت، ذاتی می‌باشد و ماهیت و ارزشمندی برخی اشیاء از جمله اسکناس صرفاً اعتباری است. نکته شایان توجه این است که دارنده اسکناس، مالک قدرت خرید معینی خواهد بود و

می‌تواند با چنین قدرتی به میزان همان توان خرید، یعنی به مقدار اسکناسهایی که دارد، به رفع احتیاجات خود بپردازد. در نتیجه، دارنده اسکناس مالک قدرت خرید معینی خواهد بود و نه مالک اسکناس با هویت خاص و شماره‌های سری معین.

در باب قرض نیز، قرض اسکناس، تملیک مقداری معین از قدرت خرید خواهد بود که بازار آن، همان مقدار قدرت خرید باید مسترد شود. لذا، مقرض به موجب قرارداد قرض، متعهد به پرداخت همان میزان قدرت خرید دریافتی در سررسید قرض می‌باشد، هر چند آن میزان قدرت خرید دریافتی در مبلغ بیشتری اسکناس عینیت خارجی یابد. پس، چنانچه مقرض، همان میزان قدرت خرید دریافتی را به مقرض بپردازد، دقیقاً بدهی خود را اداء نموده است و ذمه‌اش بری خواهد شد. از سوی دیگر، مقرض، در این قرارداد منفعتی را کسب نکرده است تا رباخواری نموده باشد و مشمول حکم "کل قرض یجرالمنفعه فهو ربا" قرار گیرد. به بیان دیگر، هر زیادتى منفعت نیست، یعنی افزایش مقدار اسکناس یا هر واحد پولی دیگر بدون افزایش قدرت خرید ایجاد منفعت نخواهد بود، بلکه تساوی بین ارزش پرداختی (عوض) و ارزش دریافتی (معوض) و یا، "تساوی عوضین" را محقق می‌سازد.

۲ - همین حکم در باب مهریه، نیز صادق است و زوج هرگاه بدهی خود را تادیه نماید، باید همان میزان قدرت خرید تمهدی خود را بپردازد تا ذمه‌اش تفریغ گردد.

در مقوله اتلاف نیز، بنا بر قاعده "من اتلف مال الغير فهو ضامن" اتلاف‌کننده

اسکناس مالی را که اتلاف نموده است، ضامن جبران آن خواهد بود و می‌باید همان میزان مالیاتی را که اتلاف کرده است و به موجب ضمان قهری ملزم به پرداخت آن می‌باشد، به دارنده‌اش تادیه نماید.

در مورد غصب نیز، در صورت کاهش ارزش پول به جهت نوسانات قیمت بازار و بالا رفتن میزان تورم، غاصب ملزم به پرداخت تعداد بیشتری اسکناس نسبت به اسکناسهای غصب شده می‌باشد.

۴۳ - با توجه به آنچه گذشت، مساله تعویق پرداخت خمس نیز روشن می‌شود. ضمناً ذکر این نکته بایسته است که علم و جهل تأثیری در اشتغال ذمه و تفریغ آن ندارد، و شخص هر گاه متوجه شد، باید ذمه خود را قارغ نماید.^(۱۱)

حضرت آیت ... تسخیری رئیس سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی

مساله مورد بحث، در مطالعات مربوط به موضوع، از دو دیدگاه مطرح است: اقتضاء نصوص اسلامی "که بر ارزش اسمی" تکیه دارد و "اقتضاء عدالت" که حفظ قدرت خرید سپرده‌گذاران را ایجاب می‌نماید.

قدر مسلم این است که ضرر و زیان وارده بر سپرده‌گذاران بر اثر کاهش قدرت خرید پول با اتخاذ تدابیر و تمهیدات مختلف که معیار موازین شرعی نباشد باید جبران شود. یکی از این تدابیر، پیروی از سنتی است که هنوز هم در کشور ما در تعیین مهریه مورد استفاده قرار می‌گیرد و بر اساس آن مقادیر معینی مسکوک طلا بابت مهریه در نظر گرفته می‌شود. در این صورت، سپرده‌گذاران، بانکها را در خرید طلا یا ترجیحاً مسکوک طلا برابر میزان سپرده وکیل می‌نمایند. با این پیشنهاد، می‌توان از طریق برابری ارزش طلا از کاهش قدرت خرید

سپرده گذاران به هنگام استرداد آن جلوگیری نمود. (۱۲)

حضرت آیت ا... سید کاظم حائری عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم

نیز ضمن قبول اصل موضوع: جبران زیان وارده بر افراد بر اثر کاهش ارزش پول، رفع مشکلات فقهی طرق پیشنهادی در این زمینه را چنین مطرح می فرمایند. راه حل های مورد نظر ایشان قریب به همان رهنمود حضرت آیت ا... تسخیری است.

می فرمایند: گرفتن سود از طرف دولت نسبت به وامهائی که به مردم می دهد و همچنین بهره (سود) نسبت به سپرده هائی که از مردم می گیرد مشتمل بر اشکال فقهی ربا می باشد و جهت رفع این اشکال دو راه حل فقهی ارائه می دهند:

حل اول، همان است که در حال حاضر معروف است و آن این است که از راه مضاربه و مزارعه و مساقات و مانند اینها سود یا بهره از حالت ربا بودن بیرون آید و در حقیقت سود یا بهره قرض نباشد بلکه استفاده از یک نوع تجارت یا یک مزدکار باشد.

حل دوم پیشنهادی آن است که این گونه داد و ستدها بین بانک و مردم بدون پشتوانه طلا واقع نشود و معامله حقیقی با طلا باشد.

یعنی اگر کسی می خواهد سپرده سود آور در بانک بگذارد، بانک اول مبلغی از طلا را که مساوی با پولی است که آن شخص می خواهد سپرده بانکی قرارش دهد به آن شخص بفروشد، بعداً آن طلا را به عنوان سپرده یا قرض از او بگیرد و در وقت اداء به او طلا برگرداند و یا طلا را از او به قیمت روز بخرد و چون عادتاً طلا از زمان بعد به دلیل تورم، قیمتش افزایش یافته همین افزایش سود آن شخص خواهد بود.

و همچنین کسی که می خواهد از بانک وام دریافت نماید، بانک به او مقداری از طلا

وام دهد که قیمتش مساوی باشد با مبلغ درخواست شده و بعداً طلا را از او به قیمت روز بخرد یا آن شخص طلا را ببرد به بازار بفروشد و از قیمتش جهت کاری که برای او وام می‌خواسته است استفاده کند و در وقت اداء باید یا طلا بپردازد و یا قیمت روز اداء را به عنوان خریدن طلائی را که به بانک مدیون است به بانک بپردازد و چون عادتاً طلا در آن زمان دوم به دلیل تورم قیمتش بالا رفته، مابه‌التفاوت دو قیمت سود بانک خواهد بود. (۱۳)

حضرت آیت ... دکتر سید محمد حسینی بهشتی

شهید بزرگوار آیت ... دکتر سید محمد حسینی بهشتی، در بخشی از کتاب "اقتصاد اسلامی"، تحت عنوان "مالکیت در اسلام"، بحث جریان کاهش ارزش پول را از بیع و ربا آغاز کرده و در ادامه بحث، در زمینه سود و نرخ تورم، چنین اظهار می‌دارند:

«..... جبران تورم، یعنی جبران کاهش قدرت خرید پول (که معادل) نرخ تورم است. مثلاً شخصی ۱۰۰ تن برنج را به یک میلیون تومان خریداری می‌کند و می‌خواهد به مبلغ یک میلیون و دوست تومان بفروشد تا دوست تومان حق‌الزحمه او حلال باشد و بتواند مصداق "الکاسب حیب" باشد. هنگامی که صد تن برنج مزبور را فروخت و می‌خواهد مجدداً با یک میلیون تومان ۱۰۰ تن برنج بخرد، دیگر به او نمی‌دهند، زیرا برنج گران شده است و به او گفته می‌شود که به جای ۱۰۰ تن برنج تنها ۹۹ تن به او داده می‌شود. آیا این یک تن برنج که از دست این شخص خارج شده است از کجا باید تأمین شود؟

مشابه این مساله در مورد پول نیز هست. مثلاً شما امروز از پسر عمویتان صد هزار تومان پول قرض می‌کنید. پسر عموی شما با این صد هزار تومان می‌خواهد خانه‌ای

بخرد و شما از او می‌خواهید به دلیل کار ضروری تری که دارید، مدتی صبر کنید. پس از انقضای آن مدت، حال که او برای خرید خانه می‌رود، به او می‌گویند گران شده است. تکلیف این خسارت چیست؟ در این جا، نیز فرقی میان بیع و ربا نیست، اگر نرخ تورمی وجود داشته باشد، باید هم در وام برای آن فکری شود و هم در خرید و فروش.

اگر قرار است میدان دادن به نرخ تورم، جامعه را خود به خود به سمت تکاثر ببرد باید با تورم مبارزه کرد.... اگر آن گونه که ادعا می‌شود، سود سرمایه یکی از چند عامل تورم است و عوامل متعدد دیگری برای آن وجود داشته باشد که به هر حال آن را غیرقابل اجتناب کند، در این صورت باید آن را "جبران تورم" نامگذاری کنیم و این چیزی است از قبیل جبران خسارت ناشی از استهلاک و اگر معادل آن به فروشنده داده شود، کار نابجائی صورت نگرفته است.

.... تورم ناشی از آن است که میزان امکانات بهره‌مندی به وجود آمده، کمتر از قدرت خرید اعطاء شده به مردم است. به عنوان مثال، سود سرمایه بازرگانی که به دست یک سرمایه‌دار می‌افتد، به او قدرت خرید می‌دهد، در حالی که حتی به اندازه یک تومان نیز امکان بهره‌برداری اضافی (در جامعه) به وجود نیامده است، و این، تورم ایجاد می‌کند. در این حالت، کارگر فکر می‌کند که حقوق خود را به طور کامل گرفته است، در حالی که قدرت خرید او کمتر از آن مقداری است که دریافت می‌کند و این همان دزدیدن از جیب کارگر و استثمار اوست.

.... از نظر شرعی، هیچ کس به هیچ عنوانی نباید فکر کند که می‌تواند در کارهای خود سودگزاران ببرد. سودگزاران در هر کاری باشد، حداقل آن است که طبق نصوص قطعی

اسلامی ما، خلاف انصاف است ولی در صورتی که در حد متوسط بهره‌مند شد، خلاف انصاف نیست. به هر حال، این مکانیسم نرخ است که مکانیسم بسیار پیچیده‌ای است. به عقیده من، تمام زشت و زیبایی سیستم‌های اقتصادی، به سیستم مربوط به دست یافتن به عادلانه‌ترین نرخ برمی‌گردد. نرخ عادلانه، نیاز به مکانیسم دارد و این کار "علم اقتصاد" است. اگر چه عامل اخلاقی عامل مهمی است ولی عامل علمی را نمی‌توان از نظر دور داشت. ^(۱۳)

چنانکه ملاحظه گردید، در باب توجیه جبران زیان وارده بر افراد بر اثر کاهش ارزش پول از دیدگاه شرعی، از سوی فقهای عظام، نظرات مخالف و موافقی عنوان گردیده است که می‌تواند من حیث المجموع راهگشای این مشکل اقتصادی و اجتماعی قرار گیرد.

نظرات مخالف، در عین حال که در بیان موضوع بر احکام و روایات و به اصطلاح "سیره مشرعه" (آیت‌ا... مرعی شوشتری) تاکید می‌نماید، لکن کمتر به "تبیین" موضوع می‌پردازد و به مقتضیات و مناسبات زمان توجه چندانی معطوف نمی‌دارد. البته مقام و منزلت احکام مورد استناد از این دیدگاه، برهمگان مسلم است لکن گفتنی است که جملگی آنها در عداد "احکام اولیه" تلقی نمی‌شوند و لذا "وحی منزل" به شمار نمی‌روند.

نظرات موافق، ضمن تاکید و تکیه بر مستندات، با یک برخورد پویا و با عنایت به شرایط و مقتضیات زمان، در مقام بررسی و نتیجه‌گیری از این احکام است و همواره "شان نزول" آنها را مطمح نظر قرار می‌دهد.

شاهد مثال، جبران توژم به مثابه "جبران خسارت ناشی از استهلاک" از دیدگاه شهید بزرگوار آیت‌ا... دکتر سید محمد حسینی بهشتی و تلقی "استقراض" به منزله "تبادل قدرت خرید" از دیدگاه حضرت آیت‌ا... سید محمد موسوی بجنوردی است که در صورت پذیرش

تفکر اخیرالذکر بی تردید تحولی در حفظ قدرت خرید سپرده‌گذاران و موارد مشابه آن و در نتیجه استقرار مساوات و عدالت EQUITY & JUSTICE که هدف غائی اقتصاد و بانکداری اسلامی است به وجود خواهد آمد.

در این صورت، یعنی پذیرش جبران زیان وارده بر افراد بر اثر کاهش ارزش پول، سوال اساسی بعدی این خواهد بود که مسؤولیت جبران این ضرر و زیان برعهده چه مقامی خواهد بود؟

پاسخ این سوال را، با استقصاء دیدگاه شهید بزرگوار سید محمد باقر صدر مورد بررسی قرار می‌دهیم:

۲ - زیان وارده بر افراد بر اثر کاهش ارزش پول برعهده چه مقامی است؟

استاد عالیقدر، علامه سید محمد باقر صدر، در کتاب مشهور خود "اقتصادنا"، در بحث مربوط به "مسؤولیت دولت در اقتصاد اسلامی" (۱۵) با اشاره و تصریح بر اینکه "اسلام، دولت را مکلف به تأمین کامل وضع معیشت عموم کرده است"، (۱۶) در تحقق این امر مهم، بر دو اصل تأکید می‌نماید:

۱ - تأمین اجتماعی، (۱۷) حاکی از لزوم تأمین حاجتهای حیاتی و ضروری افراد و فراتر از آن، تضمین سطح زندگی بالاتر و برتر برای تمامی افراد تحت سرپرستی خود. (۱۸)

۲ - توازن اجتماعی، (۱۹) حاکی از توازن افراد جامعه از حیث سطح زندگی و نه لزوماً از جهت درآمد. (۲۰)

چنانکه اشاره شد، شهید صدر، در توجیه اصل اول، علاوه بر تأمین نیازهای ضروری از سوی دولت، بر تضمین سطح زندگی متناسب با شرایط و مقتضیات روز برای افراد جامعه

تأکید می‌نماید. ^(۲۱) به نظر او، مسؤولیت دولت در این مورد مسؤولیت "اعاله" ^(۲۲) است، یعنی، تأمین معاش افراد، تهیه وسایل و لوازم زندگی هر فرد به طور مکفی. ^(۲۳)

شهید صدر، مستند بر آیات ۶ و ۷ از سوره مبارکه حشر در بحث ثروتهای عمومی و تأکید بر این عبارت: "کی لایکون دوله بین اغتیاء متکم" ^(۲۴)، مبنای نظری این اصل را در حق مشترک جامعه در منابع ثروت می‌داند، زیرا منابع مذکور، به طور کلی، برای استفاده جمعی و نه گروهی خاص آفریده شده است. ^(۲۵)

بنابراین اصل، به اعتقاد شهید صدر، مسؤولیت مستقیم دولت در تأمین سطح زندگی مرفه برای تمامی مردم به خصوص افراد ناتوان مسلم می‌گردد. ^(۲۶)

در توجیه اصل دوم یعنی توازن اجتماعی، شهید صدر، ضمن اشاره بر این نکته که اختلاف افراد با یکدیگر، واقعیتی است مطلق که نتیجه سازمان اجتماعی معینی نیست، لذا، هر نظریه اگر واقع‌بینانه باشد نمی‌تواند این حقیقت را نادیده گیرد و در امر تنظیم یا تغییر روابط اجتماعی آن را نفی نماید. ^(۲۷)

شهید صدر، در جمع‌بندی مطالب مطروحه در این بحث، نتیجه می‌گیرد که منظور از توازن اجتماعی، توازن افراد جامعه از حیث سطح زندگی است و نه لزوماً تساوی در درآمد و اضافه می‌نماید که مقصود از سطح زندگی این است که امکانات مادی به اندازه‌ای در دسترس افراد باشد که بتوانند متناسب با مقتضیات روز، از مزایای زندگی برخوردار گردند، به دیگر سخن، سطح زندگی یکسانی برای تمامی افراد جامعه تأمین شود. ^(۲۸)

چنانکه خواهیم دید، بزرگترین مشکل اقتصادی - اجتماعی فراراه دولت در تأمین این هدف متعالی، افزایش سریع قیمت‌ها و به بیان دیگر بروز و تشدید گرایشهای تورمی است که تزلزل ارکان عدالت اجتماعی (تأمین و توازن اجتماعی به تعبیر شهید صدر)، از تبعات و

پیامدهای اسفبار آن است.

لذاست که نویسنده اندیشمند و ژرف‌نگر "اقتصاد ما" به شماری از امکانات در اختیار دولت، به منظور برخورداری آحاد و افراد جامعه از یک سطح زندگی مطلوب به تناسب وظیفه و مسؤولیتی که در به ثمر رساندن هدف عمومی و توازن اجتماعی برعهده دارد، اشاره می‌نماید:

- ۱ - وضع مالیاتهایی که به طور ثابت و مداوم اخذ می‌شود و برای توازن عمومی به مصرف می‌رسد.
- ۲ - فعالیت‌های بخش عمومی و سرمایه‌گذاری‌های دولتی.
- ۳ - اختیارات قانونی - یا تشریحی - برای تنظیم روابط اقتصادی جامعه و نظارت بر تولید. (۳۰)

خلاصه و نتیجه

ازمجموع مطالب مطروحه در این بخش از مقاله، به نتایج مشخص ذیل دست

می‌یابیم:

- ۱ - " دولت " به عنوان " پدر خوب خانواده " از دیدگاه حقوق رم و به استناد " قاعده‌ی لاضرر " و " مسؤول اقتصاد جامعه " از دیدگاه حقوق و اقتصاد اسلامی، وظیفه حفظ سلامت جامعه و اداره امور افراد تحت سرپرستی خود را برعهده دارد.
- ۲ - اداره امور افراد تحت سرپرستی و بالجمله جبران زیان وارده بر افراد و به طریق

اولی جبران زیان کاهش ارزش پول ملی، در عداد اعمال و وظایف حاکمیت دولت است. (۳۱)

۳- این وظیفه، علی‌الخصوص، در شرایطی که تصدی امور پولی و اعتباری، براساس قوانین مدون کشورها در حیطه "اختیار" و "اقتدار" دولت قرار دارد، (۳۲) حائز کمال اهمیت و از حساسیت بسیار برخوردار است.

۴- در جامعه اسلامی که اقتصاد اسلامی بر آن حکمفرماست، نمی‌توان به راحتی مسأله کاهش ارزش پول (قدرت خرید پول) را نادیده انگاشت. مسأله کاهش قدرت پول نه تنها برای قرض دهنده و قرض گیرنده، بلکه برای تمامی افراد جامعه به ویژه برای افراد دارای درآمدهای ثابت و کم درآمد مطرح و اثرات و تبعات نامطلوب آن در تمامی زوایای زندگی روزمره محسوس و مشهود است.

۵- در عین حال که تمامی فقهای متقدم و متأخر مشخصاً و به صراحت متعرض این مسأله نشده‌اند و لذا این مسأله را می‌توان جزو مسایل مستحدثه دانست، مع‌هذا، برآیند کلی دیدگاههای چند تن از فقها و اندیشمندان به نام معاصر لزوم جبران زیانهای وارده بر افراد بر اثر کاهش قدرت خرید پول منتهی می‌شود.

با توجه به مراتب مذکور و با عنایت به دیدگاههای شهید بزرگوار سید محمد باقر صدر به عنوان نمونه‌ای از اظهار نظر اندیشمندان طراز اول اسلام در باب جبران ضرر و زیان وارده بر افراد مبتنی بر آیات و احکام متقن و مستند در این زمینه و بالاخص قاعده لا ضرر و لا ضرار اصل موضوع در ارتباط با مسؤولیت دولت به هیچ روی مورد کوچکترین تردید نمی‌تواند قرار گیرد و لذا ضرورت ایجاب می‌نماید که در چگونگی امکان رفع زیان و

خسارت وارده بر افراد و در موضوع مورد بحث ما چگونگی امکان رفع زیان ناشی از کاهش ارزش قدرت خرید پول مطالعه‌ای جدی و جامع‌الاطراف به عمل آید.

آنچه ذیلاً به استحضار می‌رسد، بررسی مختصر و مطالعه‌ای مقدماتی است که در ارتباط با چگونگی امکان جبران کاهش ارزش پول درحد بضاعت نویسنده همراه با ارائه پیشنهاداتی در این زمینه انجام پذیرفته است.

۶ - بررسی چگونگی امکان جبران کاهش ارزش پول

الف - استفاده از روش شاخص‌بندی INDEXATION. هنگام بروز و گسترش تورم، خصوصاً اگر افزایش قیمت‌ها شدید و مستمر باشد، معمولاً این بحث مطرح می‌شود که دارندگان درآمدهای ثابت، نخستین قربانیان این وضع خواهند بود.

بررسی سوابق موجود نشان می‌دهد که معمولاً به همراه نوسان شدید قیمت‌ها، موضوع "شاخص‌بندی" مطرح می‌گردد.

شاخص‌بندی نرخ‌ها، اول بار در اواخر قرن نوزدهم توسط ویلیام استانلی جونز^(۳۳) W.S. JEVONS عنوان گردید و سپس آلفرد مارشال^(۳۴) A. MARSHAL اقتصاددان شهیر این نظریه را دقیقاً مورد بحث قرار داد. خلاصه نظریه مارشال این بود که در این گونه موارد، مبلغ اسمی وام با توجه به نوسان شاخص قیمت‌ها، می‌باید تغییر یابد تا معادل قدرت خرید پول به هنگام دریافت در سررسید وام بازپرداخت شود. مارشال، نظریه خود را در مقاله‌ای تحت عنوان "درمان نوسان قیمت‌ها" در سال ۱۸۸۷ منتشر کرد و در این مقاله به طور خلاصه عنوان نمود که در جوامع معاصر، پول دو نقش اساسی را ایفاء می‌نماید:

از یک طرف وسیله پرداخت محسوب شده و از سوی دیگر واحدی جهت ارزش

خدمات و دستمزدها و سایر نرخ‌ها تلقی می‌گردد. طبیعی است که تغییرات قیمت‌ها و به عبارت دیگر، نوسان قدرت خرید پول در نقش اول یعنی وسیله پرداخت‌ها تأثیری نخواهد داشت ولی در نقش دوم، این تغییرات کاملاً ارزش پول را تحت تأثیر قرار داده و در واقع معادل کاهش و یا افزایش قدرت خرید پول، ارزش واقعی درآمد افراد نیز تغییر خواهد کرد. پس از جنگ جهانی اول، با توجه به افزایش شدید قیمت‌ها در ممالک اروپائی، موضوع شاخص‌بندی خصوصاً در مورد وامها مجدداً مطرح گردید، زیرا افرادی که اوراق قرضه خریداری نموده و یا وام پرداخت کرده و در بانک سپرده تودیع نموده بودند، در سررسید وجهی دریافت می‌داشتند که قدرت خرید آن به شدت تنزل کرده بود.

با توجه بدین وضع، اریک لیندهال^(۳۴) E. LINDHAL دانشمند سوئدی پیشنهاد نمود باید به افراد اجازه داده شود که در قراردادهای وام این شرط را پیش‌بینی کنند که اصل مبلغ وام در سررسید معادل قدرت خرید واقعی آن حین پرداخت بوده و بنابراین، وام‌گیرنده باید معادل رشد شاخص قیمت‌ها در فاصله دریافت و بازپرداخت وام بر اصل مبلغ وام بیفزاید.

پس از جنگ جهانی دوم، موضوع انتشار قرضه با نرخ متغیر و یا پیش‌بینی شرط شاخص‌بندی در قرارداد وام و یا اوراق سپرده بانکهها مجدداً مطرح گردید، تا آنجا که بسیاری از علماء اقتصاد عنوان می‌نمودند که در صورت عدم پیش‌بینی این شرط، سرمایه‌گذاران در خرید اوراق قرضه و یا پرداخت وام و یا تودیع سپرده در بانکهها منصرف گردیده و امکانات خود را به بخش‌های دیگر سوق خواهند داد.

● شاخص بندی دستمزدها

همانگونه که اشاره شد، دارندگان درآمدهای ثابت، نخستین قربانیان تورم را تشکیل می دهند، چه علی رغم رشد قیمت ها، ناچارند در همان سطح قدیم، مزد و حقوق خود را به پولی که قدرت خرید خود را از دست داده است، دریافت دارند و همین امر، علت اصلی تشنجات و اعتصابات کارگری را در غالب کشورها فراهم آورده است. واقعیت این است که کارگران و حقوق بگیران از مشاهده ترقی هزینه زندگی، احساس می کنند که مزد و حقوق دریافتی نه تنها نمی تواند سطح زندگی آنان را ارتقاء داده و احتیاجات روز افزونشان را تأمین نماید، بلکه حتی نمی توانند با مزد دریافتی در همان سطح زندگی سابق زندگی کنند و بدیهی است که در این حالت، افزایش دستمزد را حق مشروع خود دانسته، مصراً ترمیم مقیاس و جدول دستمزد را مطالبه کرده و در مواجهه با مقاومت کارفرما یا دولت حتی به اعتصاب متوسل می شوند. لذاست که برای رفع این اشکال، سندیکاها و اتحادیه های کارگری و برخی از علماء اقتصاد، شاخص بندی دستمزدها را توصیه کرده پیشنهاد می نمایند که تعرفه حقوق و دستمزد باید متناسب با تغییرات شاخص قیمت ها افزایش یابد تا این اطمینان حاصل گردد که ارزش واقعی مزد و حقوق دریافتی ثابت بماند.

این سیستم در غالب کشورها اجرا گردیده و در نتیجه، در قراردادهای دستجمعی کار، پیش بینی شاخص بندی دستمزدها لحاظ می شود. (۳۶)

در کشور ما، براساس مفاده ماده ۴۱ قانون کار، شورای عالی کار مکلف گردیده است که حداقل دستمزد کارگران را در نقاط یا صنایع مختلف کشور، به تناسب افزایش هزینه زندگی که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام می گردد، تعیین نماید. (۳۷)

مستند بر قانون استخدام کارکنان دولت نیز اشل حقوق به تناسب هزینه زندگی در نظر گرفته شده است. طبق مفاد ماده ۳۳ قانون فوق‌الاشعار، "سازمان امور اداری و استخدامی کشور مکلف است در موردیکه به علت افزایش هزینه زندگی و عوامل دیگر، تغییر ضریب جدول حقوق ضروری باشد، تغییر ضریب را برای تصویب مجلس شورای اسلامی به دولت پیشنهاد کند." (۳۸) افزون بر این، طبق تبصره ۴ ماده ۱ قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت: "دولت مکلف است تغییر ضریب حقوق موضوع ماده ۳۳ قانون استخدام کشوری و اصلاحات بعدی آنرا همه ساله با توجه به شاخص هزینه زندگی که مشترکاً توسط سازمان امور اداری و استخدامی کشور، وزارت امور اقتصادی و دارائی، سازمان برنامه و بودجه و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران پیشنهاد خواهد شد، مورد تصویب قرار دهد و به همین نسبت، حقوق بازنشستگان و مستمری بگیران را افزایش دهد." (۳۹)

● شاخص‌بندی مبلغ اسمی اوراق قرضه

با توجه به اینکه نوسان قیمت‌ها و قدرت خرید پول موجب تغییر ارزش واقعی اوراق قرضه می‌شود و این تغییرات خصوصاً در اوراق قرضه بلند مدت بسیار قابل توجه خواهد بود، لذا پس از جنگ جهانی دوم، انتشار اوراق قرضه شاخص‌بندی شده مورد توجه قرار گرفته و برای جلب اعتماد و تمایل افراد به سرمایه‌گذاری در خرید اوراق قرضه، مؤسسات صادرکننده اوراق در متن اوراق مذکور تصریح می‌کنند که اصل مبلغ اوراق قرضه متناسب با شاخص قیمت‌ها در فاصله انتشار تا سررسید اوراق افزایش یافته و بنابراین، خریدار علاوه بر بهره، معادل ارزش واقعی سرمایه‌گذاری خود را دریافت خواهد داشت.

● شاخص بندی قرارداد وام

همانطور که اشاره شد، در اواخر قرن گذشته، علماء اقتصاد در مورد وامهای بلندمدت، شاخص بندی را مؤکداً پیشنهاد می نمودند. حقیقت این است که اگر در گذشته، این نگرانی فقط در مورد وامهای بلند مدت وجود داشت، در حال حاضر، نوسان شدید قیمت ها حتی در مورد وامهای کوتاه مدت نیز می تواند بستانکار را از لحاظ قدرت خرید پول نگران کند. از اینرو، بسیاری از بستانکاران علاقمندند که در قرارداد وام و یا اعتبار شاخص بندی مبلغ وام پیش بینی شده و اصل مبلغ به هنگام واریز آن، متناسب با شاخص قیمت ها افزایش یابد.

● شاخص بندی سپرده های بانکی

بدیهی است تغییرات قدرت خرید پول می تواند ارزش واقعی سپرده افراد نزد بانکها را تحت تأثیر قرار داده و بدین ترتیب کسی که نزد بانک سپرده تودیع می کند در صورت ترقی قیمت ها در سررسید، مبلغی کمتر از ارزش واقعی آن در زمان تودیع دریافت می نماید. پیش بینی این وضع، می تواند موجب نگرانی افراد گردیده و تمایل آنانرا به جای تودیع سپرده در بانک، به خرید کالاها یا اموال دیگر برانگیزد و در نتیجه، بانکها از مهمترین منابع تأمین مالی خود محروم گردند.

تجربه نشان داده است که در هنگام تورم، معمولاً افراد درآمدهای خود را بلافاصله صرف خرید کالا خواهند کرد و نیاز به تذکار نیست که همین عامل بر اثر افزایش سطح تقاضای خرید کالا، موجب تشدید تورم می گردد، در حالی که اگر بانکها بتوانند نگرانی افراد را رفع و آنان را به تودیع سپرده تشویق کنند، لزوماً قسمتی از قدرت خرید خانواده ها پس انداز شده و کاهش تقاضا می تواند در کنترل تورم و تثبیت قدرت خرید پول جبران

گردیده و افراد با اطمینان از ارزش واقعی سپرده‌های خود به پس‌انداز تشویق شوند. (۴۰)

ب - امکان استفاده از روش شاخص‌بندی در نظام بانکی ایران

بنا به مراتب فوق و با توجه به موارد مذکور در مقوله شاخص‌بندی، سؤالی که بلافاصله متبادر به ذهن می‌شود این است که آیا این شیوه، در چارچوب نظام بانکداری کشور ما قابل توجیه و اجرا می‌تواند باشد؟

برخی از صاحب‌نظران، مازاد پرداختی به منتفعان از شاخص‌بندی را به منزله زیادتی مشمول تعریف «ریا» می‌پندارند. به نظر می‌رسد که این ایراد وارد نباشد. زیرا «ریا» به معنای اعم و «بهره» به مفهوم اخص کلمه، مبلغی است «ثابت و از قبل تعیین شده»، حال آنکه مازاد حاصل از «شاخص‌بندی»، رقمی است «متغیر» که متناسب با روند شاخص کالاها و خدمات مصرفی به هنگام استرداد سپرده‌های دریافتی ملاک عمل قرار می‌گیرد. (۴۱)

بنابراین، سوال اساسی دیگری که مطرح می‌شود این است که با عنایت به نکات و ملاحظات بر شمرده، جریان کاهش ارزش پول در ارتباط با سپرده‌ها و منابع بانکی و به تناسب روند شاخص کالاها و خدمات مصرفی چگونه و به چه ترتیب امکان‌پذیر خواهد بود؟

ذیلاً این موضوع را به اختصار مورد بررسی قرار می‌دهیم:

- ۱ - تأمین سود واقعی سپرده‌های بانکی - شاخص‌بندی انواع سپرده‌ها طبق ماده ۴ قانون عملیات بانکی بدون ربا: «بانکها مکلف به بازپرداخت اصل سپرده‌های قرض‌الحسنه (پس‌انداز و جاری) می‌باشند و نیز می‌توانند بازپرداخت اصل سرمایه‌گذاری مدت‌دار را تمهد و بیمه نمایند.»

این الزام قانونی، در عین حال که با مقررات پیش‌بینی شده در قوانین قبلی و مشخصاً قانون پولی و بانکی کشور مصوب تیر ماه ۱۳۵۱ قابل قیاس نیست،^(۴۲) مهمذا، در موضوع مورد بحث در این مقوله یعنی جبران زیان کاهش ارزش سپرده‌های بانکی، وافی به مقصود نمی‌تواند باشد.

طبق ماده ۳ قانون عملیات بانکی بدون ربا، انواع سپرده‌ها در نظام بانکی جدید عبارتند از:

● سپرده‌های قرض‌الحسنه (جاری، پس‌انداز)

● سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار (کوتاه‌مدت، بلندمدت)

سپرده‌های قرض‌الحسنه اعم از جاری و پس‌انداز، براساس رابطه حقوقی دائن - مدیون، قسمت قابل ملاحظه‌ای از «منابع بانک» را تشکیل می‌دهند و در طرف مقابل، سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار، بر مبنای رابطه حقوقی وکیل - موکل، کلاً «منابع سپرده‌گذار» را به وجود می‌آورند.

بدیهی است، «منابع سپرده‌گذار»، چنانکه از نام آن مستفاد می‌شود، کلاً و مشاعاً متعلق به تمامی سپرده‌گذاران است و لزوماً به اعطای تسهیلات زیربط در قالب عقود و معاملات اسلامی تخصیص می‌یابد. مفهوم آن این است که پرداختهای دیگر از این محل، منافی مقررات پیش‌بینی شده در قانون عملیات بانکی بدون ربا خواهد بود. حال آنکه در مورد «منابع بانک» چنین محدودیت و منع قانونی وجود ندارد، کمااینکه تا همین اواخر، مابه‌التفاوت سود پرداختی به سپرده‌گذاران سرمایه‌گذاری، در چارچوب حقوقی نظام بانکی جدید کشور و با تصویب مجمع عمومی بانکها، از محل منابع بانکهای کشور تأمین می‌شده است.

باتوجه به مراتب بالا و در مقوله مورد بحث، این سوال مطرح می‌شود که آیا مابه‌التفاوت ارزش اسمی و ارزش واقعی سپرده‌های قرض‌الحسنه را به هنگام استرداد، از این محل و متناسب با روند شاخص کالاها و خدمات مصرفی می‌توان پرداخت و آیا پرداخت مابه‌التفاوت سود اعلام شده (تحقق یافته) و سود واقعی سپرده‌های سرمایه‌گذاری متناسب با شاخص کالاها و خدمات مصرفی نیز از همین محل قابل تأمین خواهد بود؟

به نظر اینجانب، مدلول اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که بانکداری را در حیطه اختیار دولت برمی‌شمارد و نیز مفاد قانون ملی شدن بانکها که مالکیت و مدیریت بانکهای کشور را صراحتاً از آن دولت اعلام می‌دارد، مؤید آن است که اقدام در هر یک از موارد مذکور، علی‌الاصول مغایر با مقررات و موازین قوانین فوق‌الاشعار نمی‌باشد. نهایتاً، اعمال این نظر مستلزم محاسبه بار مالی و تدوین مقررات ذریبط خواهد بود. در نیل بدین منظور، از تجارب کشورهای دیگر در شاخص‌بندی سپرده‌های بانکی، می‌توان به خوبی استفاده نمود.

۲ - تأمین سود واقعی حاصل از کاربرد «منابع سپرده‌گذار»

طبق تبصره ماده ۳ قانون عملیات بانکی بدون ربا:

«سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار که بانک در به کار گرفتن آنها وکیل می‌باشد، در امور مشارکت، مضاربه، اجاره به شرط تملیک، معاملات اقساطی، مزارعه، مساقات، سرمایه‌گذاری مستقیم، معاملات سلف و جعاله مورد استفاده قرار می‌گیرد.»

در خصوص این تبصره تذکار موارد ذیل ضرور می‌نماید:

۱ - با امعان نظر به اینکه مشارکت پیش‌بینی شده در متن قانون دو نوع مشارکت

مدتی و حقوقی و فروش اقساطی سه نوع فروش اقساطی مواد اولیه، وسایل و لوازم و مسکن را در بر می‌گیرد،

۲ - با عنایت به اینکه قرض الحسنه اعطائی و خرید دین نیز در عداد تسهیلات اعطائی در نظام بانکی، به شمار می‌روند،

لذا، تسهیلات اعطائی مورد اشاره در تبصره مذکور، ۱۴ مورد یا به اصطلاح ۱۴ ابزار را متضمن خواهد بود و با توجه به اینکه از ۱۴ ابزار مورد بحث، مزارعه و مساقات تاکنون به مرحله اجرا در نیامده و خرید دین نیز به دلایل عدیده از شمول تسهیلات اعطائی ۱۴ گانه فوق عملاً خارج گردیده است،^(۴۳) در حال حاضر، ۱۱ ابزار در بانکهای ما مورد استفاده قرار دارد.

۳ - ابزار ۱۱ گانه مذکور را با توجه به ماهیت حقوقی هر یک از آنها می‌توان در سه گروه اصلی: مشارکات، مبادلات و قرض الحسنه خلاصه کرد.

۴ - در گروه مشارکات و بالاخص در مورد مضاربه، "حداقل سود مورد انتظار" که در واقع به عنوان ضابطه‌ای برای جلوگیری از زیان وارده بر بانک تعبیه شده است و در تجربه کشور ما یکی از وجوه تمایز بانکداری بدون ربا در مقایسه با بانکداری ربوی به شمار می‌رود سهواً و چه بسا تمعداً ملاک محاسبه سود واقعی قرار می‌گیرد.

این شیوه عمل، بی‌تردید یکی از نقاط ضعف نظام بانکداری بدون ربا در کشور ما می‌باشد و از آنجا که سود واقعی - سودی که به مراتب بیش از حداقل سود مورد انتظار می‌باشد - ملاک عمل قرار نمی‌گیرد، بانک، به عنوان طرف اصلی قرارداد، سهم بسیار نازل‌تری از سهم استحقاقی خود را دریافت می‌دارد و در

واقع مبالغ معتنابهی از محل منابع سپرده‌گذار و یا از منابع سپرده‌گذاران سرمایه‌گذاری به جیب منتفعان از تسهیلات بانکی سرازیر می‌شود. بدیهی است که خصوصاً در شرایط تورمی، بانکهای ما بدین علت متضرر می‌شوند و لذا به منظور جلوگیری از زیان وارده بر بانک و در واقع سپرده‌گذاران سرمایه‌گذاری، سود واقعی حاصل از کاربرد منابع سپرده‌گذار می‌باید ملاک عمل قرار گیرد.

۵- در مورد گروه مبادلات که فروش اقساطی مهمترین و در واقع فرد اکمل آنست، سود منابع تخصیصی بانک توسط شورای پول و اعتبار تعیین می‌شود.

در این خصوص، لازم است به دو نکته بسیار مهم اشاره شود:

۱- سود منابع تخصیصی بانک، دیر به دیر اعلام می‌شود و این تاخیر در اعلام نرخ، به ویژه در شرایط تورمی قابل توجه نمی‌باشد.

۲- نرخهای اعلام شده، علی‌الاصول با شاخص کالاها و خدمات تناسبی ندارد و بدیهی است که بانکهای ما در این مورد نیز، خصوصاً با عنایت به اینکه منابع تخصیص یافته برای معاملات اقساطی حدود نیمی از کل منابع بانکها از محل سپرده‌های سرمایه‌گذاری را تشکیل می‌دهد، سود واقعی و استحقاقی خود را دریافت نمی‌دارند و این، در تحلیل تهائی هم به ضرر بانک و هم به طریق اولی به زیان سپرده‌گذاران سرمایه‌گذاری منتهی می‌شود.

۶- در مورد قرض الحسنه اعطائی، چنانکه سابقاً اشاره شد، می‌توان در قراردادهای وام، شاخص بندی مبلغ اسمی وام را متذکر گردید و اصل مبلغ وام را به هنگام واریز آن، متناسب با شاخص کالاها و خدمات افزایش داد و

بدین ترتیب، از زیان وارده بر بانک به لحاظ کاهش قدرت خرید پول به هنگام واریز اصل وام جلوگیری نمود.

جمع‌بندی

با این امید که مقاله، با امعان نظر بر بیانات مقام معظم رهبری و مقام محترم ریاست جمهوری، در تبیین و ارائه طریق در زمینه جبران کاهش قدرت خرید پول وافی به مقصود بوده باشد:

۱ - در بحث مربوط به اهمیت موضوع، بر استفاده مطلوب از تمامی امکانات و مقدرات کشور به منظور افزایش سطح تولید و اشتغال و نهایتاً مبارزه و مقابله با تورم تأکید گردید.

۲ - با این پیش فرض که وقوف بر ماهیت و علل بروز تورم که در تحلیل نهائی با تبیین نقش پول در اقتصاد اسلامی ملازمه دارد، اقتصادی بیمارگونه که تمامی قرائن و شواهد، ابتلای آن را به درد جانکاه و البته نه صعب‌العلاج تورم نشان می‌دهد، مورد بررسی قرار گرفت و این سؤال اساسی مطرح گردید که در رهگذر این رویداد مصیبت‌زا، زیانهای وارده بر افراد جامعه خصوصاً دارندگان درآمدهای ثابت، اکثریت عظیم طبقه متوسط کشور را، چگونه باید جبران نمود؟

۳ - از نظر تاریخی، امکان جبران زیانهای وارده بر افراد، خصوصاً با تأکید بر شریعت مقدس اسلام بر رفع لطمات و صدمات وارده بر افراد، مستند بر قاعده و حدیث شریف «لَا ضَرَرَ وَلَا ضِرَارَ فِي الْإِسْلَامِ» به اختصار مورد بحث

قرارگرفت.

۴ - در همین زمینه، به استقصاء دیدگاه‌های چند تن از اندیشمندان معاصر پرداخته شد.

۵ - از مجموع مطالب مطروحه و بالاخص دیدگاه‌های اندیشمندان یاد شده این نتیجه حاصل آمد که:

اولاً: دولت به عنوان «پدر خوب خانواده» از دیدگاه حقوق رم و به استناد «قاعده لاضرر» و اصل «مسئولیت دولت در اقتصاد جامعه» از دیدگاه‌های حقوق و اقتصاد اسلامی، وظیفه حفظ سلامت و اداره امور افراد تحت سرپرستی خود را بر عهده دارد.

ثانیاً: اداره امور افراد تحت سرپرستی و بالجمله جبران زیان وارده بر افراد و به طریق اولی جبران زیان کاهش ارزش پول ملی، در عداد اعمال و وظایف حاکمیت دولت بشمار می‌رود.

ثالثاً: این وظیفه، علی‌الخصوص، در شرایطی که تصدی امور پولی و اعتباری بر اساس قوانین مدوّن کشور، در حیطه «اختیار» و «اقتدار» دولت قرار دارد، حائز کمال اهمیت است.

با توجه به موارد مذکور و به عنون ارائه طریق، امکان جبران کاهش ارزش پول با استفاده از روش شاخص‌بندی INDEXATION در زمینه‌های مختلف و امکان استفاده از روش مذکور در نظام بانکی ایران، به تفکیک در مورد «منابع بانک» و «منابع سپرده‌گذار» در تجربه جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی قرار گرفت.

تردید نمی‌توان داشت که استفاده از شاخص‌بندی و توسل به تدابیر مشابه، تمهیداتی

است که در کوتاه مدت در رفع مشکلات و مصائب ناشی از تورّم می‌تواند مفید فایده قرار گیرد و از نظر اقتصادی، همانگونه که در بررسیهای مربوط آمده است [در رفع اثرات منفی تورّم بر کارائی و توزیع درآمد و ثروت، تا حدودی می‌تواند تأثیر بر جای گذارد^(۴۴)]. لکن واقعیت این است که استفاده از شاخص‌بندی و توسل به تدابیر مشابه، تمهیداتی است که در کوتاه مدت در رفع مشکلات و مصائب ناشی از تورّم مفید فایده‌تی تواند بود و تردید نمی‌توان داشت که رفع لطمات و صدمات وارده بر تورّم، به طور بنیادی و اساسی، در تعادل عرضه و تقاضای کل، مبارزه و مقابله با اثرات و گرایش‌های تورّمی، خصوصاً اتخاذ تدابیر فرهنگی در ایجاد روحیه انضباط و وجدان کار به منظور افزایش سطح تولید و اشتغال، مبارزه با فرصت‌طلبان و سودجویان، مبارزه با اسراف و تبذیر و مصرف‌زدگی و نظایر آن خلاصه می‌شود که در تحلیل نهائی، ضمانت اجرایی تمامی آنها به ابتکار و پشتکار، سیاست و درایت، صلابت و قاطعیت دولت در انجام این رسالت خطیر، منوط و مربوط می‌گردد.

وَالسَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَرَحْمَةُ... وَ بَرَکَاتُهُ

« پی‌نوشت »

- ۱ - قسمتی از بیانات رهبر معظم انقلاب در جمع مدرسان، فضلا و طلاب حوزه علمیه قم در آذر ماه ۱۳۷۴، مجله «مسجد»، آذر و دی ماه ۱۳۷۴ و نیز «منشور ولایت»، آذر ماه ۱۳۷۴، انتشارات شورای عالی و مدیریت حوزه علمیه قم.
- ۲ - قسمتی از بیانات مقام محترم ریاست جمهوری پیشین در جمعی از مدیران و مسؤولان بانکی، همزمان با آغاز هفته بانکداری اسلامی (شهریور ماه ۱۳۷۴)، نشریه پیام بانک، شماره ۵۰، نیمه دوم شهریور ماه ۱۳۷۴، امور فرهنگی و روابط عمومی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
- ۳ - از نظر سابقه، مقاله محققانه آقای حسن گلریز، ریاست سابق مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی تحت عنوان «یادداشتی درباره جریان کاهش قدرت خرید سپرده‌های مردم نزد بانک»، شایان ذکر است. همچنین به نخستین نشست «پول در نگاه فقه و اقتصاد» که در ۲۳ فروردین ماه سال ۱۳۷۵ در سالن اجتماعات مدرسه دارالشفاء قم به همت والای پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی تشکیل گردید، باید اشاره داشت.
- اخیراً نیز تحقیق دیگری تحت عنوان «نقد و بررسی نظریه جریان کاهش ارزش پول در بانکداری بدون ربا» توسط آقای سید حسین میرجلیلی از دانشگاه امام صادق (ع) انجام پذیرفته است که متن کامل آن در شماره ۹ و ۱۰ نشریه علمی دانشگاه شاهد - سال سوم - پائیز و زمستان ۱۳۷۴ نشر یافته است.
- ۴ - برای مزید اطلاع نگاه کنید به: دکتر احمد کتابی، «تورم: علل، آثار و راههای مقابله با آن» به اضافه واژه‌نامه، چاپ و انتشارات اقبال، چاپ سوم با تجدید نظر کلی،

تابستان ۱۳۷۱.

- ۵- برای مزید اطلاع نگاه کنید به: دکتر ایرج توتونچیان، نگاهی به پول و وظایف آن در اقتصاد اسلامی، مقاله ارائه شده در نخستین مجمع بررسیهای اقتصاد اسلامی، شهریور ماه ۱۳۶۷، مندرج در مجموعه مقالات فارسی (سیاستهای مالی)، انتشارات، بنیاد پژوهشهای آستان قدس رضوی، ۱۳۷۰.
- ۶- برای مزید اطلاع نگاه کنید به: «مجموعه دالوز، حقوق رم، جلد اول، ص ۱۴۱، شماره، ۲۸۰ همچنین: دکتر موسی جوان، مبانی حقوق، جلد اول، ص ۲۳۸.
- ۷- همان مأخذ، همان صفحه.
- ۸- دکتر سید علی اصغر هدایتی، «درآمدی بر مبانی نظری مسؤلیت حقوقی و بیمه مسؤلیت حقوقی»، مقاله تهیه شده برای ارائه در نخستین سمینار بیمه و توسعه، برگزار کننده: بیمه مرکزی ایران، هشتم و نهم آبانماه ۱۳۷۳، مندرج در دو شماره پیاپی، بخش حقوقی روزنامه اطلاعات (پنجشنبه ۲۶ آبان و پنجشنبه ۳ آذر ماه ۱۳۷۳).
- ۹- برای مزید اطلاع نگاه کنید به: «قانون مدنی، مباحث اتلاف و تسبیب، مواد ۳۲۸ الی ۳۳۵ در ارتباط با «الزاماتی که بدون قرارداد حاصل می شود».
- ۱۰- در تاریخ انتشار فصلنامه، پائیز ۱۳۷۲. در تاریخ خاتمه نگارش این مقاله (چهارشنبه ۱۳۷۵/۵/۳) بهای فروش یک بهار آزادی (طرح قدیم) ۴۰۰ هزار ریال و بهای فروش یک بهار آزادی (طرح جدید) ۳۹۵۰۰۰ ریال بوده است (اطلاعات ۱۳۷۵/۵/۳، ص ۴).
- ۱۱- رهنمون، فصلنامه علمی و پژوهشی مدرسه عالی شهید مطهری، پائیز ۱۳۷۲،

صفحات ۸۹-۱۱۵.

- ۱۲ - مصاحبه اختصاصی نویسنده مقاله با حضرت آیت‌ا.. تسخیری.
- ۱۳ - برگرفته از مقاله برگزیده حضرت آیت‌ا.. سید کاظم حائری جهت ارائه به هفتمین سمینار بانکداری اسلامی (۱۱ و ۱۲ شهریور ماه ۱۳۷۵).
- ۱۴ - آیت‌ا.. دکتر سید محمد حسینی بهشتی، «اقتصاد اسلامی»، نشر فرهنگ اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۶۳، صفحات ۶۵-۶۲.
- ۱۵ - الشهيد السيد محمد باقر الصدر، «اقتصادنا»، «مسؤولية الدولة في الاقتصاد الاسلامي»، مجمع الشهيد الصدر العلمي و الشقاقی، الطبعه الثانيه، محرم الحرام ۱۴۰۸، ص ۶۹۵.
- ۱۶ - همان مأخذ، عين عبارت شهيد صدر: «فرض الاسلام على الدولة ضمان معيشه افراد المجتمع الاسلامي ضماناً كاملاً»، ص ۶۹۷.
- ۱۷ - الضمان الاجتماعي.
- ۱۸ - همان مأخذ، عين عبارت شهيد صدر: «فان هذه المسؤوليه لا تفرض على الدولة ضمان الفرد في حدود حاجاته الحياتيه فحسب، بل تفرض عليها ان تضمن للفرد مستوى الكفايه من المعيشه الذي يحياه افراد المجتمع الاسلامي»، ص ۷۰۱.
- ۱۹ - التوازن الاجتماعي.
- ۲۰ - همان مأخذ: عين عبارت شهيد صدر: «التوازن الاجتماعي هو التوازن بين افراد المجتمع في مستوى المعيشه، لا في مستوى الدخل»، ص ۷۰۸.
- ۲۱ - همان بند ۱۷ فوق.
- ۲۲ - ضمان اعاله.

- ۲۳ - همان مأخذ، عین عبارت شهید صدر: «و اعاله الفرد هی القیام بمعیشه و امداده بکفایت»، ص ۷۰۱.
- ۲۴ - قسمت اخیر آیه ۷ از سوره مبارکه حشر.
- ۲۵ - همان مأخذ، عین عبارت شهید صدر: «و اما الاساس النظرى الذى تركز فكره الضمان فى هذا المبدأ عليه، فمن الممكن ان يكون ايمان الاسلام بحق الجماعه كلها فى موارد الثروه، لان هذه الموارد الطبيعیه قد خلقت للجماعه كافه...»، ص ۷۰۳.
- ۲۶ - همان مأخذ، عین عبارت شهید صدر: «..... كان من وظيفه الدوله ان تهىء له فرصه العمل فى حدود صلاحيتها، و من لم تتح له فرصه العمل، او كان عاجزاً عنه فعلى الدوله ان تضمن حقه»، ص ۷۰۳.
- ۲۷ - همان مأخذ، عین عبارت شهید صدر: «فالاختلاف بين الافراد حقيقة مطلقة و ليس نتیجه اطار اجتماعى معین، فلا يمكن لنظرة واقعية تجاهلها، ولان نظام اجتماعى الغاوه فى تشريع، او فى عملیه تغییر لتنوع العلاقات الاجتماعیه» ص ۷۰۷.
- ۲۸ - همان مأخذ، عین عبارت شهید صدر: «التوازن الاجتماعى هو التوازن بين افراد المجتمع فى مستوى المعيشه، لافى مستوى الدخل. والتوازن فى مستوى المعيشه ممناه: ان يكون المال موجوداً لدى افراد المجتمع و متداولاً بينهم، الى درجه تتيج واحداً من المعيشه» ص ۷۰۸.
- ۲۹ - همان مأخذ، عین عبارت شهید صدر: «ان الهدف النهائى الذى يحاول الاسلام تحقيقه، ويلقى مسوولیه ذلك على ولى الامر، هو اغناء كل فرد فى المجتمع الاسلامى» ص ۷۰۹.
- برای مزید اطلاع خوانندگان گرامی یاد آور می شود که مأخذ اصلی نویسنده در تطبیق

و مقابله کلام شهید صدر به زبان فارسی، کتاب «اقتصادنا» است که توسط فاضل ارجمند و مترجم توانا آقای مهدی فولادوند ترجمه و به همت بنیاد علوم اسلامی نشر یافته است (چاپ اول، زمستان ۱۳۶۰).

۳۰ - همان مأخذ، صفحات ۷۱۲ و ۷۱۳.

۳۱ - اعمال حاکمیت Act de autorite اعمالی که دولت از حیث داشتن قدرت عمومی و به عنوان اعمال قدرت عمومی انجام می‌دهد مانند تاسیس معابر عمومی و میدانها و استخدام ماموران رسمی - در مقابل اعمال تصدی Act de gestion (اعمال حقوقی که دولت نه از حیث اعمال قدرت عمومی بلکه مانند سایر افراد آنرا انجام می‌دهد، مانند عمل دولت در بنگاه راه آهن).

۳۲ - براساس مدلول اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: "نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه‌ریزی منظم و صحیح استوار است."

بخش دولتی، شامل کلیه صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ، بانکداری و بیمه و مانند اینهاست که به صورت مالکیت عمومی و در اختیار دولت است.

۳۳ - جونز (ویلیام استانلی) Jevons, William stanley اقتصاددان انگلیسی (۸۲-۱۸۳۵) یکی از سه اقتصاددانی است که در دهه ۱۸۷۰ نظریه مطلوبیت نهائی را عنوان نموده‌اند.

(مأخذ: حسن گلریز، فرهنگ توصیفی لغات و اصطلاحات علوم اقتصادی، انگلیسی-فارسی، انتشارات مرکز آموزش بانکداری، بانک مرکزی جمهوری اسلامی

توزمی است که از طرف بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام می‌شود».^{۳۸}
 مأخذ: مجموعه قوانین و مقررات کار و تأمین اجتماعی، مشتمل بر آخرین اصلاحات تا شهریور ۱۳۷۳ و پرسش و پاسخهای قانون کار، به اهتمام غلامحسین دوانی، عضو انجمن حسابداران خبره ایران، ص ۱۹. شایان ذکر است که قانون مذکور در تاریخ ۱۳۶۸/۷/۲ به تصویب مجلس شورای ملی رسیده و موادی از آن مورد اختلاف مجلس و شورای نگهبان قرار گرفته و نهایتاً در جلسات متعدد مجمع تشخیص مصلحت نظام بررسی و با اصلاح و متمم آن مواد، سرانجام در تاریخ ۱۳۶۹/۸/۲۹ به تصویب نهائی مجمع تشخیص مصلحت نظام رسیده است.

۳۸ - مجموعه قوانین و مقررات اداری و استخدامی با آخرین اصلاحات و تغییرات تا نیمه اول سال ۱۳۶۷، گردآوری و تنظیم از دفتر حقوقی سازمان امور اداری و استخدامی کشور، ماده ۳۳.

۳۹ - تبصره ۴ از ماده ۱ قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت که در تاریخ ۱۳۷۰/۶/۱۳ به تصویب مجلس شورای اسلامی و در تاریخ ۱۳۷۰/۶/۲۴ به تأیید شورای نگهبان رسیده است.

۴۰ - همان مأخذ مذکور در بند ۳۶ فوق.

۴۱ - ماده ۳۳ سابق‌الذکر قانون استخدامی کارکنان کشور و نیز تبصره ۴ ماده اول قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت به شرح مندرج در شاخص‌بندی دستمزد و حقوق، به عنوان مستند قانونی، حاکی از پذیرش شیوه شاخص‌بندی در قلمرو مذکور در قوانین یاد شده است.

۴۲ - براساس بند د ماده ۴۱ قانون پولی و بانکی کشور مصوب تیرماه ۱۳۵۱ (فصل سوم -

ترتیب انحلال و ورشکستگی بانکها)، «استرداد سپرده‌های پس‌انداز یا سپرده‌های مشابه تا میزان پنجاه هزار ریال در درجه اول و سپرده‌های جاری و سپرده‌های ثابت تا همان مبلغ در درجه دوم، بر کلیه تعهدات دیگر بانکهای متحل شده یا ورشکسته و سایر حقوق ممتازه مقدم است».

۴۳ - اشکال عمده مربوط به خرید دین در تجربه کوتاه نظام بانکداری بدون ربا در کشور ما، از ارائه سفته‌های بدون پشتوانه و اصطلاحاً "سفته‌های صوری" که نماینده دین واقعی و گذارنده نمی‌باشد نشأت می‌گیرد، تا آنجا که به تعبیر برخی از همکاران بانکی، این ابزار در حقیقت "فروش دین" است و نه "خرید دین". رویه معمول در برخی از بانکهای کشور مبنی بر اینکه مانده این حساب به صفر رسانیده شود، به احتمال قوی، با توجه بدین مشکل اساسی بوده است.

Protection Against Inflation and Exchange Risk:

The Role of indexation, proceedings of the saltsjoladen Conference, 4-6, 1974. P.21.July.

- ۴۴